

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

صبا راهی
۰۴ نومبر ۲۰۲۲

از آگاهی سطحی تا شناور شدن در اعماق فریب!

سرمایه داری جهانی با دم و دستگاه عریض و طویل و مخوف اطلاعاتی " رهبر سازی " اش حاکمان مستبد لمین و به غایت نوکر و وطن فروش را در قالب " وطن پرستان دو آتشه " (بخوان رضا خان و پسرش محمدرضا) و یا خمینی " بی احساس " را بطور نمونه ی بارز در کشور ایران بر مسند قدرت می نشاند. دو نیم قرن پیش محمدرضا پهلوی را در کودتای ننگین ۲۸ مرداد همراه با چماق بدستان شعبان بی مخ اش برای ایرانیان به " ارمنان " میاورد ساواک مخوف را برایش بنا کرده و اوین را میسازد و دستش را باز برای سرکوب هر مخالف با هر اندیشه یی!

نیم قرن بعد از سرنوشتی شاه وطن فروش و قاتل دگرانیشان و آزادیخواهان بدست مردم جان به لب آمده از ستمگری هایش، در کنفرانس گوادلوپ امپریالیست ها خمینی را برای تداوم سرکوب جنبش نوین کمونیستی، و سایر جنبش های مخالف حکومت استبدادی شاه در تداوم سلطه غارتگرانه خود سوار بر موج **قیام پرشکوه بهمن ۵۷** میکند. خمینی به کمک ساواکی های بی همه چیز ده ها هزارتن از **مبارزین راه آزادی و استقلال ایران** را در کشتارهای دسته جمعی در زندانهای سراسر ایران به گورهای بی نام و نشان روانه میکند و خود شعار تهی از هر بار سیاسی " مرگ بر امریکا " را برای فریب توده ها ورد زبانش میکند. در حالیکه مردم با آمدن خمینی و سرکوب قیام و خواسته های بر حق ستمدیدگان در کوچه بازار زمزمه میکردند " **خر همون خره پالونش عوض شده** ".

صف خلق و ضدخلق

قیام بهمن ۵۷ برای مبارزین آزادی و استقلال (آزادی برای متحقق شدن خواسته های ستمدیدگان از ظلم و ستم استثمار، تبعیض فقر و محرومیت است و استقلال به معنی رهایی از سلطه سرکوبگرانه و غارتگرانه امپریالیسم) میشود قیام ۵۷ که به همت توده های تحت ستم و استبداد - که با الهام گرفتن از **مبارزه و قهرمانی ها و سازش ناپذیری های** نسلی همچون مسعود احمدزاده ها پویان ها مرضیه اسکویی ها نابدل ها بهروز دهقانی ها صمدبهرنگی آموزگار انقلاب، رضایی ها حمید اشرف ها و سایر مبارزین سازش ناپذیر با سرمایه داری سلطنت گرفته و شجاعانه به میدان آمده و در پی مبارزه بی امان شان تاج و تخت شاه جلا داد را به زیر کشیدند میشود **قیام پرشکوه بهمن ۵۷** ، و برای سلطنت طلب و بچه شاه که از " در غربت مردن پدرش " و قطع غارتگری دسترنج مردم ایران اشک میریزد میشود **قیام شوم بهمن**.

قیام پرشگوه بهمن ۵۷ میشود صف خلق همانطور که از شیوه و خواسته های قیام کنندگان آن مشخص است و قیام

شوم بهمن ۵۷ میشود صف ضدخلق

با همین مثال واقعی و بسیار ساده میشود صف خلق و صف ضدخلق را تشخیص داد. درست؟ حال دلیلی که برخی ها که مدعی دفاع از حقوق ستمدیدگان هستند خود را به جاده خاکی میزنند و به هر بهانه بی شرکت در تظاهرات "همه در کنار هم" را ترویج می دهند چیست؟

"وحدت در کلمه"!

خمینی از یک سو با شعار " همه با هم در وحدت کلمه ، و مارکسیست ها هم آزادند" مردم فریبی میکرد و حزب توده منفور و خائن و افرادی چون فرخ نگهدار که در زمان شاه در زندان " عفو ملوکانه" خواسته بود و در راستای خدمت به سرکوب مخالفین با هر عقیده و اندیشه یی در رژیم اسلامی وابسته به امپریالیسم خادمی تمام وکمال خود را به ماشین سرکوب تا به امروز به نمایش گذاشته، از یک سو با نفوذ در سازمان پرافتخار چریکهای فدایی خلق تشکیلاتی بنام "چریک های فدایی خلق اکثریت" همراه با همپالگی هایش درست کرده بود، تا از یک سو با استفاده از نام پرافتخار چریکهای فدایی خلق به وسعت مردم فریبی خمینی جلاد دامن بزند و به سرعت ماشین سرکوب او اضافه کند. از سوی دیگر ضربه مداوم به جنبش نوین کمونیستی ایران. فرخ نگهدار منفور و متعفن و مزدور همین امروز هم که گرسنگان محرومان کارگران دانشجویان و محصلین و زنان در خیابانها خونشان توسط سپاه سرکوب گر و آدم کش ریخته میشود اصرار دارد که **" جمهوری اسلامی باید حفظ شود.** سپاه را به سلاح سنگین مجهز کنید از " رهنمودهای ننگین و مرگبار او به " امام جلادش" میباید. هوش زیادی نمیخواهد تا پیوند تفکر ارتجاعی و ضدگاردگری فرخ نگهدار با تفکر هم فکرش رضا پهلوی دزد دسترنج کارگران و زحمتکشانش که معتقد است "براداران سپاه و بسیج" را لازم دارد در یک هدف و مسیر مشخص (سرکوب معترضین) مشاهده نمود.

تمام مزدوران و خادمین سرمایه داری جهانی به دستگاه های سرکوبگری چون ساواک و واواک و سپاه و بسیج و ارتش ضدمردمی نیاز دارند تا اهداف غارتگری منابع و دسترنج مردم را به جیب اربابان شاه و ملا و خود و خودی هایشان روانه کنند. کدام یک از مدعیان " آزادی" دیده شده که از بستن زندانهای مخوف اوین و قزل خصار و .. کلامی بر زبان آورند؟

چه کسانی در خارج به فراخوان حامد اسماعیلیون لبیک می گویند؟

به جرأت میتوان گفت ۹۵٪ کسانی که در تظاهرات فراخوان داده شده توسط حامد اسماعیلیون شرکت داشتند افرادی هستند که مدام برای دیدن خانواده هایشان به ایران سفر کرده اند و امروز دغدغه اشان نه سفره خالی کودکان در خیابان هاست که بجای سر کلاس درس بی رحمان مواد فروش آنان را به " کار" گرفته اند، نه کارگرانی است که کار میکنند اما حقوق شان پرداخت نمیشود، نه معلمانی ست که به حیابانها میبایند تا حق شان را از دزدها و ظالمین حاکم مطالبه نمایند، نه کارگران پیمانی ست، نه دانشجویی ست که به دلیل عقایدش و مخالفتش با کل نظام به زندان افتاده است، نه زنی ست که از سر استیضال به تن فروشی رو آورده است، نه بیکاری و بی آیندگی هزاران فارغ التحصیل دختر و پسر است، نه به چوب حراج زدن منابع و معادن و دسترنج مردم میباشد. بلکه فقط و فقط " آزاد مسافرت کردن به ایران" جمع آوری اجازه خانه های کلان شان، قمپز در کردن خارج نشینی و فروش لباس های فرنگی و سایر موضوعات.

مگر در خارج از ایران تشکیلات مختلف سیاسی مخالف رژیم دار و شکنجه در عرض این ۴۴ سال فراخوان تظاهرات سراسری نداده و نمی دهند؟ چرا این ۹۵٪ در آن شرکت نکرده اند؟ چرا وقتی تظاهرات جلوی سفارت برگزار می شود این ۹۵٪ اصلاً انگار در کره زمین وجود ندارند!

آنوقت برخی از سر رخوت و منافع شخصی که آنان را از بررسی و مطالعه تاریخ سازمان های چپ و کنکاش علمی برهذر میکند با "سادگی کودکانه" یی چپ را مقصر این میدانند، و حاضر نیستند خاطر خود را کمی مشغول مطالعه دیدگاه ها و مواضع سیاسی برخی از این تشکیلات نموده تا پی ببرند که این تشکیلات رادیکال هرگز دست کمک به سوی نخست وزیر کانادا و آن یک مقام آلمانی و یونیسف و سایر نهادهای سرمایه داری جهانی دراز نمیکنند. آنان ایمان به قدرت و نیروی کارگر ان و زحمتکشان و زنان و مردان سازش ناپذیری که حتی از جان خود در راه رهایی از یوغ استثمار و غارتگری میگذرند داشته و آنان را در این مسیر راهنمایی میکنند و نه اینکه " ۵۰ هزار "کارت التماس دعا" به درگاه غارتگران که این رژیم را بر سر کار آورده اند در میان ۹۵٪ های "جوگیر شده همایش" پخش کنند تا به " آزادی رفت و آمد به ایران" برسند! و صف خلق و ضد خلق را با شنیع ترین نیرنگ ها مخدوش کنند!

در پایان اشاره یی کوتاه به گفته حامد اسماعیلیون در پایان یک پیام

حامد اسماعیلیون در پیامش بعد از تظاهرات برلین در یک جمع بندی از تظاهرات برلین میگوید: «یادمان نرود قاتل و آدمکش و سرکوبگر اصلی جمهوری اسلامیست».

خب، چه خوب که ایشان " لطف" کردند و به ما سرکوبگر را نشان دادند! حداقل "متوجه"ش کردند که نباید سخنرانی کند، دایره انسانی تشکیل دهد. و یکی از افتخارات خود را در برلین عدم دعوت از رهبران سیاسی که جمعیت را "تهییج" می کنند می داند! تهییج؟ یا برجسته کردن حقایقی که آلودگی تریبون شما را عریان می کند؟

او می گوید: "ما در کنار هم ایستاده ایم با وجود تمام تفاوت ها". در عالم سیاسی به این می گویند **مخدوش کردن صف خلق و ضد خلق!** البته ایشان بگفته خودش سیاسی نیست و درک این موضوعات هم احتمالاً در حیطه تفکر ایشان دشوار اگر نبود که بلندگوی بورژوازی نمیشد و رویا پرداری نمیکرد! برای آن تفکر ضدکارگر ضد گرسنه گان ضد غارتگری امپریالیستها (چه روس چه چین و امریکا و سایرین) که بلندگو را به دست حامد اسماعیلیون داده امد مهم "مخدوش کردن صف خلق و ضدخلق بود که برایش مینویسند ("آنچه مهم بود حضور همه ما در کنار هم بود").

خمینی هم برای مردم فریبی هر چه بیشتر برای اینکه شعار درست مرگ بر امپریالیسم غارتگر را محو کند میگفت: «فراموش نکنیم دشمن اصلی امریکای جهانخواار است، مرگ بر امریکا».

در حالیکه ضدامپریالیست های واقعی را در زندان های سراسر کشور در دهه شصت قتل عام کرده بود! و بعد هم که سوار بر گرده ستمدیدگان شد گفت ما برای " نان انقلاب نکردیم برای اسلام انقلاب کردیم".

آری! بسیار ساده و آسان است با آگاهی سطحی در اعماق فریب شناور شد در کنار "وحدت کلمه خمینی" یا در کنار " همایش رنگین" حامد اسماعیلیون! تنها هم یک دلیل دارد و آن دلیل هم نداشتن موضع طبقاتی درست میباشد. مبارزه یی که در ایران بر پاست فقط مبارزه زنان علیه حجاب اجباری نیست مبارزه طبقاتی ست. صدای گرسنگان را نمی شنوید که فریاد میزنند **یه لقمه نون تو سفره مون نمونده / خامنه ای یه روز دیگه نمونی**. دیروز سرمایه داری سلطنت طبقه

غارتگر و ستمگر و آزادیخواه گش(بورژازی) را رهبری میکرد امروز رژیم همتایش سرمایه داری اسلامی! هر دوی این رژیم ها بدون "خواست بورژازی جهانی" به قدرت نمیرسیدند. / سوم نومبر ۲۰۲۲